

مقاله پژوهشی

بررسی تطبیقی مفاهیم تعلیمی انقلاب در اشعار چهار شاعر معاصر انقلاب اسلامی با تاکید بر اشعار سیاسی

فرهاد آخوندی^۱، غلامعلی زارع^۲، مسعود مهدیان^۳، ملیحه مهدوی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵

چکیده: شعر انقلاب و مضامین آن، از مهمترین و تأثیرگذارترین آثار ادبیات فارسی ایران معاصر به ویژه در دوران دفاع مقدس به شمار می‌رود. این ادبیات عمدتاً با درون‌نمایه‌های مقاومت، دفاع از آرمان‌های انقلاب، حس عمیق وطن‌پرستی، مبارزه‌خواهی و شهادت‌طلبی، مخاطبین بسیاری را به خود جلب نمود. نکته حائز اهمیت آنکه انگیزه‌های انقلابی در آثار نظم و نثر فارسی مرتبط با جریان‌ات داخلی و درون کشوری نگاشته می‌شود و ضمن مخاطب قرار دادن دیگر کشورها و جوامع - خصوصاً کشورهای که به لحاظ تاریخی، فرهنگی و مذهبی قرابت زیادی با ایران دارند، آنان را دعوت به جوشش و خروش می‌گردند. بر این اساس، مقاله حاضر کوشش نمود تا ضمن بررسی ریشه‌های شعر انقلاب و مقاومت، به بررسی، تحلیل و طبقه‌بندی انگیزه‌های انقلابی موجود در اشعار چهار شاعر انقلاب (سید علی موسوی گرمارودی، طاهره صفارزاده، قیصر امین‌پور و حمید سبزواری) با تاکید بر اشعار سیاسی بپردازد. فرضیه مقاله تأکیدی است بر این موضوع که انگیزه‌های تعلیمی با سه زیرمجموعه تعالیم اعتقادی، تعالیم اخلاقی و تعالیم سیاسی مهم‌ترین دلایل سرایش اشعار پسانقلابی در شعر این چهار شاعر بوده است. روش مقاله حاضر تطبیقی است. یافته‌های تحقیق نیز نشان دادگرمارودی بیشتر نماینده تعالیم اعتقادی، صفارزاده نماینده تعالیم اخلاقی و امین‌پور و سبزواری بیشتر نمایندگان تعالیم سیاسی هستند.

واژگان اصلی: اشعار سیاسی، انقلاب اسلامی، انگیزه‌های انقلابی، مضامین تعلیمی، شعر معاصر، مقاومت.

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، گلستان، ایران.

farhadakhondi231@gmail.com

^۲ دانشیار دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران. zaregholamali@gmail.com

^۳ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، گلستان، ایران. mahdian.masood@gmail.com

^۴ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، گلستان، ایران. Ma.mahdavi2@yahoo.com

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی، تأثیر عمیقی بر شاعران انقلابی نهاد که این تأثیرات در انگیزه‌ها و مفاهیم شعر آنان نیز جلوه یافت. گرایش‌های انقلابی این شاعران که هویتی اسلامی داشت و نوع نگاه آن‌ها به محیط پیرامون و مسائل مختلف از منظر انقلاب و اسلامی بودن، انگیزه‌هایی به وجود آورد که تا پیش از آن در شعر فارسی معادل آن‌ها کمتر مطرح می‌شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی شعر معاصر ایران، حال و هوای دیگری یافت؛ شعر این دوره که هنوز هم نمی‌توان به درستی دربارهٔ ویژگی‌ها و موفقیت‌های آن سخن گفت، بسیار پرحجم، و تحوّل و نوآوری در آن فراوان است. ادبیات انقلاب اسلامی، یکی از جریان‌های عمدهٔ ادبی در دوره معاصر ایران است که با تکیه بر مفاهیم تعلیمی، اخلاقی و ارزشی تحوّل شگرف در محتوای ادبیات این دوره به وجود آورده است. با اذعان به این نکته که شعر به طور عام و شعر انقلاب به طور خاص، از انگیزه‌های مختلفی تشکیل شده است، مسلماً انگیزه‌ها، قوّت و تأثیرگذاری آن‌ها، عوامل و مؤلفه‌های موثر در ساخت آن‌ها و میزان موفقیت شاعران انقلابی در پردازش آن‌ها و ... می‌تواند ما را در شناخت و درکی بهتر از شعر انقلاب یاری رساند.

۱-۱- بیان مسئله

پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران در سال ۱۳۵۷، موجب تغییراتی بنیادین در بسیاری از ابعاد جامعه شده و شعر فارسی یکی از این ابعاد است که طبعاً تحت تأثیر این تغییرات قرار گرفته است که خود از جنبه‌های مختلف شکلی و محتوایی قابل تأمل است. شاعران ایران زمین نیز در این روزگار با گرایش‌های گوناگون در آثار شعری، کم و بیش و پیدا و پنهان به طرح دیدگاه‌های خود در این باره پرداخته‌اند. در این میان شاعران انقلابی نیز به انگیزه علاقه به انقلاب اسلامی اشعاری در شیوه‌ها و شکل‌های مختلف در دفاع از انقلاب اسلامی سروده‌اند؛ از این روی، اشعارشان یکی از دست‌مایه‌های محققان حال و آینده برای فهم دقیق‌تر و عمیق‌تر انقلاب و انگیزه‌های انقلابی مردم ایران در برقراری انقلاب اسلامی است. این ضرورت ما را بر آن داشت تا به اقتضای پژوهش کنونی به بررسی، طبقه‌بندی و تحلیل انگیزه‌های انقلابی چهار شاعر معاصر یعنی طاهره صفّارزاده، قیصر امین‌پور، سید علی موسوی گرمارودی و حمید سبزواری با استناد به شعر آنان پردازیم.

لذا سوالات این پژوهش عبارتند از:

۱. مهم‌ترین انگیزه‌های انقلابی اشعار صفّارزاده، امین‌پور، موسوی گرمارودی و سبزواری با تاکید بر

اشعار سیاسی چیست؟

۲. کدام انگیزه‌ها، در شعر این شاعران، بازتاب بیشتری دارد؟
۳. چه عواملی در پیدایش انگیزه‌های انقلابی در شعر این شاعران نقش داشته‌اند؟

۲-۱- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

نکته‌ای که نباید از آن غفلت ورزید جدی گرفتن امروز است و نقد منصفانه، عالمانه و صادقانه ادبیات انقلاب اسلامی. برخی به بهانه این که هنوز این دوره پایان نیافته تا به جمع‌بندی و تحلیل آن نشست بررسی این مهم را به فرداها واگذار می‌کنند. در دوره‌های پیشین تاریخی تذکره‌نویسانی بوده‌اند که علی‌رغم کاستی‌ها به ثبت تاریخ ادبیات زمان خویش پرداخته‌اند. چه این که هیچ کس نویسنده تاریخ بیهقی را به علت این که کتابش را در دوره‌ای نگاشته که تاریخ آن دوره پایان نیافته مؤاخذه نمی‌کند. متأسفانه برخی که حتی زحمت مرور و مطالعه آثار این دوره را به خود نمی‌دهند، چنین تصویری دارند. اگر این ضرورت، امروز تحقق نیابد نسل‌های بعد نمی‌توانند به بیان و تبیین دقیق شعر این دوره بپردازند و همان فاجعه‌ای تکرار خواهد شد که در دوره مشروطه اتفاق افتاد؛ چرا که حلقه‌های مفقوده در نزدیک‌ترین دوره ادبی ما (یعنی مشروطه) به قدری زیاد است که گاه منجر به مفقود شدن دیوان شعر و یا زندگی‌نامه شاعری گشته که ما را از درک صحیح و درست تحولات شعر عصر مشروطه محروم ساخته است. توجه کمتر به ادبیات انقلاب اسلامی و عدم آشنایی طیف وسیعی از جامعه به خصوص قشر نوجوان و جوان با شاعران انقلاب اسلامی، باعث شده است که این شاعران آن طور که باید در ادبیات معاصر شناخته نشوند و بعضاً در گمنامی باشند و اگر در مواردی هم اشاراتی صورت گرفته در حد اقناع اهالی ادب و فرهنگ نبوده است.

۳-۱- پیشینه تحقیق

اگرچه درباره شعر معاصر و شاعران انقلاب و اشعار آن‌ها مقالات و کتاب‌هایی به رشته تحریر درآمده است، اما هیچ گونه منبع مشخص، انگیزه‌های انقلابی شاعران انقلاب اسلامی را به خصوص شاعران مد نظر در این تحقیق یعنی (طاهره صفارزاده، سید علی موسوی گرمارودی، قیصر امین‌پور و حمید سبزواری) را بررسی و پژوهش نکرده است و این پژوهش، نخستین مجموعه‌ای است که به طور مستقل به بررسی، طبقه‌بندی و تحلیل انگیزه‌های انقلابی در شعر این چهار شاعر انقلاب اسلامی می‌پردازد. با این حال برخی از مهمترین پژوهش‌های صورت گرفته در این رابطه عبارتند از:

- رازقی و دیگران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان: «بررسی سبک فکری شاعران انقلابی معاصر در مورد مفاهیم اخلاقی و ارزشی (با تکیه بر اشعار سلمان هراتی، علیرضا قزوه، طاهره صفارزاده، قیصر امین پور، احمد عزیزی، محمد مهدی سیار، و...)» به این نتیجه‌گیری دست یافتند که مفاهیم اخلاقی و ارزشی چون عدالت، نوع‌دوستی، پرهیز از مدگرایی، مبارزه با بدحجابی، جبهه‌گیری علیه روشنفکری غربی و یادآوری فضایل اخلاقی اسلامی-عاشورایی مهمترین مضامین موجود در اشعار این شاعران است.

- پاکدل و زیلابی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان: «نگاهی به مهم‌ترین مؤلفه‌های محتوایی اشعار آیینی پس از انقلاب اسلامی» به این نتیجه‌گیری دست یافتند که رویکرد حماسی در شعر عاشورایی و آیینی انقلاب، ویژگی‌ها و مختصات منحصر به فردی همچون پیروزی خون بر شمشیر، سازش‌ناپذیری در برابر ظالمان، استمرار عاشورا، نگاه حماسی به مرگ و ترجیح مرگ با عزت بر زندگی با ذلت و استقبال از مرگ سرخ و جز آن دارد. این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی دیوان شاعران معروف انقلاب اسلامی پرداخته است.

- کریمی لاریمی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان: «بررسی شعر اعتراض در سروده‌های منتقدترین شاعران مشهور انقلاب اسلامی» به این نتیجه‌گیری دست یافت که بیشترین بسامد بازتاب درون‌مایه‌های اعتراضی در اشعار سید حسن حسینی و کمترین نمود آن مربوط به قیصر امین پور است که به ترتیب در قالب‌های سپید، نیمایی، غزل، هایکو، رباعی و... در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی سروده شده است.

- دهرامی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان: «مقایسه جلوه‌های مفاخره در شعر علی موسوی گرمارودی و قیصر امین پور و اهداف و کارکردهای آن» به این نتیجه‌گیری دست یافت که مفاخره در حوزه شخصی بیشتر از منظر موتیف و جزئی از سنت شعری، دست‌مایه سرایش شعر گرمارودی قرار گرفته است. هر دو شاعر با تأکید بر مفهوم وطن، ایران و عقاید و باورها، داشتن

اسطوره‌ها و افتخارات گذشته و برخورداری از شخصیت‌های بزرگ مذهبی و سیاسی و اجتماعی، برتری ملی را گوشزد کرده‌اند که بیشتر در جهت کارکردهای تعلیمی، ایجاد وحدت و دعوت به ایستادگی و مقاومت مردم به‌کار گرفته شده و حال و هوای تازه‌ای به مفاخرات بخشیده است.

۴-۱- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد.

۴-۱-۱- چارچوب مفهومی، ادبیات انقلاب؛ تبیین ویژگی‌ها؛ مضامین و محتواها

درخصوص ویژگی‌های ادبیات انقلاب اسلامی باید اذعان داشت آنچه ادبیات انقلاب اسلامی را نسبت به ادبیات پیش از خود- به ویژه ادبیات قبل از انقلاب اسلامی- شاخص می‌کند عبارت است از:

- ۱- حضور روشن و گسترده نگرش‌ها، ارزش‌ها، باورها و هنجارهای اسلام و فرهنگ شیعی (مستقیم و غیرمستقیم) در آثار این ادبیات؛
- ۲- آرمانگرایی و امید به آینده روشن؛
- ۳- مردمی بودن و مردم‌گرایی؛
- ۴- استبداد ستیزی؛
- ۵- تلفیق ملیت و دین؛
- ۶- همزمانی سنت و نوآوری؛
- ۷- فراگیری و همگانی؛
- ۸- تنوع و تکثر نمادها و شبکه‌های واژگانی (محمّدویسی، ۱۴۰۱: ۲۲-۲۴).

همچنین، حوزه‌های شعر انقلاب اسلامی را به لحاظ محتوا و درون‌مایه می‌توان به حوزه‌های زیر تقسیم کرد:

- ۱- ساحت شعر دینی و آیینی که شامل سروده‌ها (مولودیه و مناسبت‌های سرورانگیز)، سوگ سروده‌ها (مراثی)، نیایش‌های و مناجات‌ها (تحمیدیه و توحیدیه) و اشعار تعلیمی و حکمی است. این سروده‌ها در همه قالب‌های کهن و نو سروده شده‌اند. شعر دینی و آیینی را به شاخه‌هایی چون شعر نبوی، شعر علوی، شعر فاطمی، شعر عاشورایی، شعر رضوی، شعر انتظار و شعر هیئت تقسیم می‌کنند؛

- ۲- شعر دفاع مقدّس که به مسائل هشت سال پایداری و دفاع در مقابل تجاوز ارتش عراق و

وابستگان به ایران (۱۳۵۹-۱۳۶۷) و پیامدهای آن می‌پردازد. درون‌مایه شعر دفاع مقدس را مسائلی چون شهادت و شهید، ایثار و فداکاری، ستایش و توصیف رزمندگان، جانبازان، آزادگان، مردم مقاوم صبور، پیامدهای جنگ مانند سوگ و اندوه و مظلومیت و اسارت و آوارگی تشکیل دهد؛

۳- شعر عارفانه و عاشقانه به سبب پیوند عمیق انقلاب اسلامی با آموزه‌های عرفانی و به ویژه منس و بینش و اشعار عارفانه بنیانگذار انقلاب اسلامی، رشد چشمگیری یافته است. البته عرفان و شعر عرفانی انقلاب، بافت و نگاهی ملهم از مجاهدت و مبارزه و فرهنگ جبهه و جنگ یافته است که آن را با شعر عرفانی گذشته اندکی متفاوت ساخته است؛

۴- شعر اجتماعی به نیازها، هنجارها و ناهنجارها، پایدها و ناپایدها، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، پدیده‌ها و نهادهای جامعه، به صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌پردازد. این نوع شعر به گونه‌های مدیحه اجتماعی، نقد اجتماعی، طنز اجتماعی و سوگ اجتماعی دیده می‌شود؛

۵- شعر جهانی انقلاب اسلامی، یکی از شاخه‌های بارور شعر امروز است. شاعران انقلاب، فراتر از دغدغه‌های وطنی و درونی، نسبت به رخدادهای دردمندی‌ها و مشکلات دیگر ملت‌ها، همدردی و همراهی نشان داده‌اند. همدردی و همراهی با مردم فلسطین و تخطئه و محکومیت غاصبان قدس، سروده‌های فراوان و حتی مجموعه شعرهای مستقلی را سبب شده است؛

۶- شعر کودک و نوجوان انقلاب از شاخه‌های بارور شعر انقلاب است که ارتقاء و بهبود کیفیت کتاب‌های کودکان به اعتبار صوری و محتوایی، فصل درخشانی را در این حوزه رقم زده است. در کنار فعالیت شاعران کودک و نوجوان، چاپ کتاب‌های شعری که خود کودکان و نوجوانان سروده‌اند، از ابعاد دیگر رشد این گونه شعری است (بختیاری منفرد، ۱۳۹۹: ۳۰-۳۳).

نهایتاً در خصوص مضامین و محتوای شعر انقلاب اسلامی باید اذعان داشت با شکل‌گیری ادبیات انقلاب مضمون‌های جدید وارد آن گردید و بعضی از مضمون‌های پیش از انقلاب (شعر آیینی) تقویت شد اما آن چه بیش از پیش خود را نشان می‌دهد، موضوعات اخلاقی، دینی و انقلابی شعر در این دوره است که مهم‌ترین موضوعات آن را می‌توان چنین برشمرد:

شعر آیینی: پیش از انقلاب گروهی از شاعران مذهبی در عرصه شعر آیینی ورود پیدا کرده و اشعار زیادی سرودند و این چنین روح حماسی شیعه را زنده نگه داشتند هرچند گزارش گونه بودن این شعر جای تأمل دارد، اما با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و نفوذ روح حماسه در کالبد ادبیات، این نوع شعر هم از نظر کمیّت و هم از نظر کیفیت رشد قابل توجهی پیدا کرد و روح دلاوری در آن

دمیده شد و خون تازه‌ای در رگ‌های شعر آیینی جاری ساخت (افخمی ستوده، ۱۴۰۱: ۱۶).

عاشورا: موضوع عاشورا زیر مجموعه شعر آیینی است اما این واقعه آن چنان در شکل‌گیری و ادامه انقلاب اسلامی به ویژه دوره دفاع مقدس مؤثر بوده که شایستگی تحلیل و بررسی مستقل را داشته تا حدی که بیشترین حجم شعری، چه شعر انقلاب اسلامی و چه شعر دفاع مقدس مربوط به این مضمون است؛

انتظار و مهدویت: انتظار یکی از بن‌مایه‌های مهم شعر انقلاب به شمار می‌رود. زیرا وجود انتظار در یک جامعه برای بهبود شرایط زیستی و معنوی حیات انسانی باعث می‌شود تا انسان همواره در راستای اهداف بلند خود گام برداشته و ناامید نشود. در واقع یک جامعه منتظر نه تنها هرگز گرفتار یاس نخواهد شد، بلکه هویت اسلامی و دینی خود را حفظ می‌کند؛

- مبارزه با ظلم و ستم: از اهداف عالی انقلاب اسلامی با توجه به آموزه‌های قرآنی ریشه‌کن ساختن ظلم و ستم در سراسر جهان است و این ایده که برگرفته از قرآن مجید «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» (بقره/ ۱۹۳) است از ابتدا در سخنان امام خمینی (ره) به عنوان پایه‌گذار این نظام و همچنین در شعارهای مردم «امروز ایران، فردا فلسطین» دیده می‌شد و شاعران نیز این موضوع را مد نظر داشتند و همواره نماد اصلی ظلم و ستم را آمریکا و اسرائیل می‌دانند و دفاع از مردم فلسطین را، به عنوان نماد مظلوم در جهان، آرمان خود می‌پندارند (حجازی، ۱۳۹۴: ۱۳۷-۱۴۰).

۲- بحث؛ تحلیل و طبقه‌بندی الگوهای انقلابی شاعران انقلاب اسلامی

۱-۲- انگیزه‌های تعلیمی

در این بخش به بررسی انگیزه‌های تعلیمی در آثار شاعران مورد پژوهش می‌پردازیم. این انگیزه‌ها در قالب تعالیم اعتقادی، اخلاقی و سیاسی با رویکرد های مختلف در اشعار شاعران تجلی یافته‌اند. امر مسلم آن است که هدف از بررسی انگیزه‌های تعلیمی بررسی صرف این مباحث نیست، بلکه آنچه مهم است، نشان دادن این امر است که شاعران انقلاب تا چه اندازه تحت تأثیر رویکرد دینی و اخلاقی جریان انقلاب اسلامی قرار گرفته و چگونه از آن‌ها در جهت بیان مقاصد خود بهره برده‌اند.

۱-۲-۱- تعالیم اعتقادی

۱-۲-۱-۱- خداشناسی: مبحث خداشناسی از چنان فایده و شأنی برخوردار است که هیچ

شاعری را در ادب فارسی نمی‌توان یافت، که بدان نپرداخته و در اهمیّت آن سخن نرانده باشد. بر اساس اندیشه دینی، از آغاز تا به امروز، شاعران، دفتر شعر خود را با نام پروردگار آغاز کرده‌اند و به قدر فهم خویش، ایاتی را در وصف ذات و صفات باری تعالی سروده‌اند. کتاب مجموعه شعرهای آئینی «گوشواره عرش» سرشار از اندیشه‌های تعلیمی و توحیدی است، گرمارودی خداوند را جاری در طبیعت می‌بیند و به راز و نیاز با معبود خویش می‌پردازد. موسوی گرمارودی به شیوه مرسوم ادبیات سنتی، ابتدا به ستایش پروردگار و سپس مدح پیامبر (ص) و سپس امامان معصوم (ع) پرداخته است. وی اشعار فراوانی با رویکرد آئینی سروده است:

<p>جهان چون دست خط کردگار است جهان ما کتاب آن تواناست خدا خود برترین آموزگار است در آن هر نقطه و هر حرف، خواناست سوادآموز، ای در مانده بر خاک الغای کتاب حق ز بر کن که باید خویشتن را خود بخوانی؟</p>	<p>اگر خواهی بر آری سر ز افلاک سواد آموز و خود را بیشتر کن تو هم شعر خدایی چون ندانی (گرمارودی، ۱۳۸۹: ۶۶)</p>
---	---

بازتاب اندیشه‌های دینی و به ویژه توصیف خالق در شعر صفارزاده بسامد فراوانی دارد. وی با مقایسه رایانه و نظم حاکم بر عالم در پی اثبات واجب‌الوجوب برآمده است: «رایانه‌ها/از کار مانده‌اند/ ویروس آمده/ این هوشمند/ مرض پیدا کرده است .../ از سال‌های حک شده در ناپیدا/ رایانه خداوند/ سالم مانده است/ خورشید و ماه و ستاره/ و فصل‌های پیاپی/ همه سالم هستند .../ تا هوشمند ببیند/ و با صدای بلند بگوید/ هذا برهان ربّی» (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۶۰۲). از سوی دیگر، تأمل و تفکر در آثار و آیات الهی برای معرفت کردگار، از مواردی است که شاعر به آن می‌پردازد: «دوباره/ امشب/ در این یگانه شب هر ماه/ ماه شب چهاردهم/ پیدا شده است/ بزرگ و کامل و زیبا/ چرا ندیدند/ در طول قرن‌ها/ این نظم جاودانه را/ با قدرت صاحب آن را.» (همان: ۶۷۳) «هم او که در همه جا هست/ مکان/ فرّاش نمی‌گیرد/ او بوده/ وقتی که شیء ای نبوده/ وقتی که شکل نبوده/ بی‌جا و بی‌مکان/ اما مدام در امور هدایت بوده/ هدایت مکان و مکان داران.» (همان: ۳۸۷).

۱-۲-۲- خودشناسی و تفکر در آفرینش: صفارزاده بر این باور است که هدف انسان از

زندگی، رسیدن به نور و خدایی شدن است لذا مخاطبان را به سمت الهی شدن و معرفت از دریای بیکران باری سوق می‌دهد: «دریاب/ لحظه‌هایت را / دریاب/ هنگام اتصال به دریای معرفت/ جان تو بندری است/ جای ورود نور/ صدور نور» (صفا زاده، ۱۳۹۱: ۵۴۴) «و رکود باطن/ آیا انسان قبیله‌ای است/ که در تصور خوردن می‌کوچد/ آیا حدیث معده لبریز/ لب‌های دوخته/ و حنجره خاموش/ ربط و اشاره‌ای/ به مبحث «بودن» دارد.» (همان: ۲۴۰) «انسان مؤمن/ انسان دل شکسته که نیک می‌داند/ در سنگسارهای جهانی/ الطاف این و آن/ سنگ‌های شیشه‌ای و چترهای کاغذی فانی هستند/ قائم به ذات باید بود/ قائم به ذات «او» باید بود» (همان: ۲۴۹) «در بازگشت/ باید به احترام فطرت ربّانی برخاست/ او را شناخت/ که نفس آماره/ آن فتنه‌گر/ با حرص و مکر و شرارت‌ها/ و خود پرستی‌ها/ در روزگار ما/ بیش از گذشته/ به جان‌شینی فطرت می‌کوشد.» (همان: ۸۱۰). این اعتقاد در اشعار موسوی گرمارودی نیز دیده می‌شود. وی معتقد است مبنا و معیار خودشناسی شناخت خداوند و شکستن بت‌های درون است:

عزم را همچون تبر بر دوش نه
خودشکن، توحیدگر شو، بُت تویی

بانگ ابراهیم جان را گوش نه
بستر از دامان این وحدت، دوئی

(گرمارودی، ۱۳۸۹: ۷۷)

۱-۲-۱-۳- قرآن و احادیث: در ادبیات معاصر شاعران مذهبی با استفاده از مضامین و موضوعات قرآنی و روایی همان سنت هزار ساله را در ادب فارسی ادامه داده‌اند. در آثار شاعران مذهبی معاصر نمونه‌های فراوانی از این نوع کاربردهای ساختاری و محتوایی قرآن و احادیث را مشاهده می‌کنیم. یکی از شاعرانی که آگاهانه و با تسلط زیاد بر تفاسیر و متون روایی، مضامین و موضوعات مورد نظر خود را مزین به لفظ و معنای آیات قرآن و متون حدیثی کرده است، طاهره صفارزاده است. وی در ترویج مفاهیم و فرهنگ قرآن است به گونه‌ای که بسامد تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در شعر وی به حدی است که نمی‌توان بدون در نظر گرفتن این ویژگی، شعر او را بررسی کرد. «واژه‌های مذهبی و دینی و قرآنی آن اندازه در اشعار صفارزاده زیاد است که می‌توان این ویژگی را شکل‌دهنده سبک شاعر دانست و این شاعر را باید جزء شاعران آیینی و دینی و مذهبی به حساب آورد» (فعلی، ۱۴۰۱: ۱۴). «ای قاریان کوچک/ چه حنجره‌های خوشبختی دارید/ که آیه‌های علم اول و آخر/ که آیه‌های علم ظاهر و باطن/ فخر عبورشان را/ به ساحت آنان بخشیدند/ بخوان بلند بخوان/ در این بلندی/ بخشندگی است/ که گوش فطرت/ نیازمند گیرنده است.» (صفا زاده، ۱۳۹۱: ۴۹۴)

سفارزاده، در شعر در انتظار کلام به توصیف قاریان می‌پردازد سپس به طور ضمنی نسل جوان را به تلاوت و نزدیکی با کتاب آسمانی ترغیب می‌کند. وی معتقد است که انسان باید در دوران کودکی فطرتش را با قرآن و عناصر دینی پرورش دهد زیرا فطرت بشر در دوران کودکی شکل می‌گیرد و در این دوران است که سرشت، بیشترین گیرایی را دارد: «ای نو نهال/ همواره و نرم و روشن می‌خوانی/ در این تلاوت معصومانه/ چونان که در صدای ناب اذان/ جان از جاور دلتنگی‌ها.../ پر می‌کشد به ضمیمه‌های سرمدی بالا». (همان: ۴۹۴). او در قطعه دیگری می‌گوید: «در کودکی/ ملای خوب من/ انوار آشنایی یاسین را/ همراه حافظه من کرد». (همان: ۴۹۹) «و چشمه ازلی/ کلام خداوند است/ هرکس به قدر جثه خود آب می‌خورد/ طالب به قدر طلب/ در روز آشنایی با قرآن/ فطرت به احترام به پا می‌خیزد/ دستی غبار خواب از او بر می‌گیرد/ دستی اشاره گر به جانب راه/ دستی که پرده می‌کشد از بطن ناروا/ همواره در نهان/ هوای تو را دارد.../ و گام‌های تو را می‌پاید/ و از مسیرهای غیرمجاز/ مسیر ضعف و زبونی/ به دور می‌راند». (همان: ۴۹۶).

۱-۲-۱-۴- توسل به امامان معصوم (ع): پیوند شعر و ادب فارسی با سیره پیامبران و امامان معصوم (ع) موضوع روشن و بدیهی است. بدون تردید شخصیت، گفتار و کردار بزرگان دینی به عنوان بخش مهمی از مبانی و مظاهر فرهنگ اسلامی در آثار ادبی بازتاب گسترده‌ای یافته است. همان گونه که گفته شد انقلاب اسلامی زمینه مناسبی را برای رشد و تعالی مسائل دینی و اعتقادی در جامعه فراهم کرد. از همین روست که سیره پیامبران و امامان به عنوان انسان‌های برگزیده در ابعاد مختلف، الگوی مناسبی برای ارتقا سطح تربیت دینی و دانش جامعه مورد استفاده شاعر و نویسندگان انقلاب قرار گرفته است. هدف شاعران انقلاب از بازتاب سیره ی زندگانی پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) در شعر، ترغیب مخاطبان برای الگوبرداری از آنان در زندگی شخصی شان است. با تَوَرُّق آثار ادبی این دوره به روشنی دریافت می‌شود که سیره زندگانی پیامبر (ص) و امام متقیان علی (ع) و سیدالشهدا (ع) نمود بیشتری نسبت به سایر بزرگان دینی داشته است:

گرمارودی در توسل به امامان معصوم چنین می‌سراید:

آئینه‌های دل ز گنه پُر غبار شد شاید ز سوگ تو بتوان شُست این غبار
دست توسلی که به سوی تو آوریم از دامن بلند خود ای دوست بر مدار

(گرمارودی، ۱۳۸۹: ۲۱۰)

۵-۲-۱- نهضت عاشورا: محتوای ادبیات انقلاب اسلامی موجب گردید مضامین اسلامی و

قرآنی و اشارات عرفانی در آن بسامد بالایی داشته باشد. در این میان، نگاه حماسی به مذهب، به خصوص حادثه ی بزرگ عاشورا، جایگاه ویژه‌ای در منظومه ی فکری این ادبیات احراز می‌کند. پشتوانه این اندیشه علاوه بر قرآن، بیش از هر چیز قیام عاشورا است و تأسی به این فرهنگ، برنفتن ظلم و خفت است و برانداختن ظالم. یگانه راه آزادی راه امام حسین (ع) است. استمرار این اندیشه در سراسر تاریخ شیعه، این قوم را مبارزان اصلی و همیشگی در راه آزادی و وارستگی قرار داده که همواره در زیر پرچم « هَيْهَاتَ مَنَا الذَّلَّةُ » به پا ایستاده اند: «ما/ ایستاده ایم/ در پای پرچم/ در پای پرچم هیهات/ هیهات مَنَا الذَّلَّةُ. (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۴۲۳) «ما در مُحاربه هستیم/ با هر که با حسین به جنگ است/ و در صلحیم/ با هر که با حسین به صلح است/ حسین نام دیگر حق است.» (همان: ۶۲۹). «راه حسین (ع) راه اقامه حق است/ و این طریق یگانه/ یگانه مرهم تاریخ زخم‌های ملت ماست.» (همان: ۳۴۴).

موسوی گرمارودی قیام امام حسین (ع) را مثابه ایستادگی و قیام دین و شهادت ایشان را به مثابه خم شدن دین قلمداد نموده است: «از آن زمان که تو ایستادی/ دین راه افتاد/ و چون فرو افتادی/ حق برخاست/ تو شکستی/ و «راستی»/ درست شد/ و از روانه خون تو/ بنیان ستم سست شد.» (گرمارودی، ۱۳۹۰: ۱۷۶).

۶-۲-۱- مهدویت: انتظار برای ظهور موعود، و باور به آمدن نجات بخش، از مشترکات فرهنگ جهانی است. مفهوم انتظار برای ظهور آخرین امام (عج)، نزد شیعه بسیار جدی و پررنگ است. بر این اساس شاعر تلاش دارد موضوع انتظار را در تلفیق هنری با باورهای اعتقادی شیعه و جریان‌های سیاسی- اجتماعی ایران، بیان نماید. او پایان دردها، بیچارگی‌ها و اسارت‌های انسانی را بر اساس الگوی فکری- مذهبی شیعه، مشروط به ظهور منجی (عج) می‌داند؛ در نتیجه با تمام وجود متظر است؛ چنانکه می‌گوید: «همیشه منتظرت هستم/ بی آنکه در رکود نشستن باشم/ همیشه منتظرت هستم/ چونان که من/ همیشه در را هم/ همیشه در حرکت هستم/ همیشه در مقابل.» (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۷۲) «در شب‌ترین شب تاریخ/ تو مشرق تمام جهانی/ و پرده‌ای میان تو و آفتاب نیست/ و حرکت تو/ حرکت روز است ...» (همان: ۲۶)

«پیش از دمیدن موعود/ باران تیزی‌ری خواهد آمد/ که میوه‌ها همه را خواهد پوساند/ خروج سفیانی/ باران خشم/ سرزدن خورشید از مغرب/ ظهور ذوالفقار ولایت/ فرو تپیدن بغداد/ طلوع هرج

و مرج جهان/ همه/ همه/ همراهند». (همان: ۴۲۵)

آموزه‌های عدالت خواهی و ظلم ستیزی بر مبنای تفکر مهدویت، در آثار آئینی گرمارودی نیز بازتاب وسیعی یافته است:

یک لمحہ، جان خستہ روزگار پیر	در بستر زمانہ، از این مزده آرמיד
آزادگی سرود کہ: شد مهدی آشکار	نک، بندہای بردگی زور بگسلید
آمد غریبِ عدل کہ: اینک من آمدم	وین نغمہ تا بہ کاخ ستم پیشگان رسید
لبخند ناز و کبر ستم بارگان ز بیم	چون جغد از خرابہ لب های شان پرید

(گرمارودی، ۱۳۸۹: ۳۱۴)

۱-۲-۲- تعالیم اخلاقی

اخلاق‌گرایی و باورمندی افراد جامعه یکی از قدیمی‌ترین کارکردهای ادبیات است. از دیرباز ادبیات، در تربیت و پرورش روح آدمی نقش بسزایی داشته است. اهمیت شاخه اخلاقی ادبیات تعلیمی تا حدی است که بعضی ادبیات تعلیمی را مترادف با پند و اندرز و اخلاق شمرده و آن را منحصر و محدود به ادبیاتی دانستند که هدف و همت خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان می‌کند. اصول اخلاقی در ادبیات، از فرهنگ غنی اسلام و تعالیم قرآنی نشأت گرفته است. «تأثیر پذیری شاعران و نویسندگان ادب فارسی از مذاهب دینی و کتب الهی به حدی قوی است که اگر ما قرآن، احادیث و فرهنگ غنی اسلامی را از آن حذف کنیم در واقع حرفی برای گفتن نداریم.» (ناصری، ۱۳۹۸: ۶۵). از ویژگی‌های اشعار اخلاق‌مدار عصر انقلاب استناد به آیات قرآن و روایات دینی است اما برای بیان آموزه‌های اخلاقی بر خلاف ادبیات سستی، کمتر از حکایات و تمثیل بهره بردند. با پیروزی انقلاب، به مرور زمان اعتقادات و باورهای دینی پررنگ‌تر شد و نه تنها حکومت مانعی برای انجام امور مذهبی نبود، بلکه درصد ترویج و اشاعه آن برآمد، به دنبال این گش‌های دینی - فرهنگی مضامین جدیدی وارد قلمرو ادبیات انقلاب شده است که در این بخش به یکایک آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۲-۲-۱- برپایی نماز: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر و ادب انقلاب از دیدگاه محتوایی، پرداختن به مضامین مذهبی و دینی است. پرواضح است در چنین فضایی، نمود عناصر دینی و در رأس آن نماز، چه جایگاه رفیعی خواهد یافت. شاعر انقلاب با تأکید بر همین نکته، نماز را اصل همه چیز دانسته است:

«نماز اصل است/ و اصل اصل/ ایمان استوار به غیب است.» (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۵۷۱). «هماره برپا باش/ در صبح و شام/ در نیمروز/ در ذات خوب تو آسایشی است .../ سجده / در وعده گاه ثابت حق/ نماد حرکت شوق است.» (همان: ۵۶۲)

گرمارودی عقیده دارد برای گسترش فریضه نماز در جامعه باید با عمل و رفتار خویش آن را تبلیغ کنیم نه با گفتار:

بذر حرف اندر آن مکار، خطاست	نوجوان، کشتزار پاک خداست
وز عمل این گیاه را بار است	آب این نونهال، کردار است
نوجوان را به پند نیست نیاز:	ور تو خواهی که باشد اهل نماز
ز آن او گردد از تو نیست درست	تو خود اهل نماز باش نخست

(گرمارودی، ۱۳۹۰: ۸۶)

۱-۲-۲-۲- امر به معروف: در اشعار تعلیمی هدف اصلی و حقیقی تعلیم و ارشاد است، در این نوع ادبی، تمام اشعار برای تعلیم و تربیت و ارشاد و تنبیه خلق شده است. از طرفی، از اصول مهم دین و اخلاق در اسلام بر امر به معروف و نهی از منکر نهاده شده است زیرا راه رستگاری هر نظام عقیدتی بر پایه انجام بایدها و ترک نبایدها است، از این رو، حوزه این اصل بسیار گسترده و شامل امر به همه رفتارها و اخلاقیات پسندیده و نهی از رذایلی است که شارع مقدس اسلام آن را مردود می‌داند. اهمیت و ضرورت آن به حدی است که صفارزاده در اشعار خود، علت پریشانی جامعه و دین مردم را در ترک این بایدها می‌داند و معتقد است که امر به معروف، تنها راه رستگاری و سعادت است: «در عصر انتظار/ و در مجالس تقریب/ تکلیف تابناک/ تنها صواب/ یگانه خیر/ امر به معروف است/ برای جامعه ناجم/ برای مردم مغشوش/ آواره/ و در به در از نظم دین/ چون ذهن‌های ساده پژوهش نکرده‌اند/ ذکر حقایق مکتوم/ پرده کشیدن از حقایق مخدوش/ عین صواب است/ صواب/ امر به معروف است.» (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۸۰۴).

۱-۲-۲-۳- تقوا: در حالی که جریان‌های شعری دهه های پیش از انقلاب، از درون‌مایه‌های مذهبی فاصله گرفته بود، انقلاب ایران با رویکرد دینی و اعتقادی جریان‌های ادبی سنتی را با خود همراه کرد و یکی از اصول انقلاب برابری انسان‌ها بود و به عبارتی، ارزش و معیار انسان‌ها بر مبنای تقوا و دین‌مداری بود، نه نژاد و رنگ و ... در واقع انقلاب اسلامی موجب نوعی تجدید بیعت شعر با مذهب شد و شاعران انقلاب هماهنگ با رنگ و بوی مذهب، به مفاهیم دینی روی آوردند.

صفاً زاده مبنای درجه و پایگاه انسان‌ها را پرهیزگاری دانسته و می‌گوید: «و بنویسید/ بالایی سکونت انسان/ باید/ هم قامت بلندی حق/ هم قامت بلندی تقوا باشند.» (صفاً زاده، ۱۳۹۱: ۳۳۶).

«اما مسیر حرکت نیرو/ به سوی مقصد اصلی باید باشد/ مقصد، اساس رابطه باید باشد/ تا جسم، در خور هستی/ تا ذهن، لایق حرمت باشد/ و گرنه پرورش تن/ و پروراندن هوش/ آن نطفه خصیم خواهد شد.» (همان: ۵۴۷). «در لوحه هدایت/ به پیشگاه خداوند/ والاترین بنده/ پرهیزکارترین است/ پرهیزکار/ درست می‌اندیشد/ خلاف امر، گام نمی‌نهد/ راهی نمی‌رود/ حرفی نمی‌زند (همان: ۸۰۳) که برترین انسان/ انسان رهرو تقواست.» (همان: ۵۲۶)

۱-۲-۴-تواضع و فروتنی: این صفت پسندیده اخلاقی در اشعار شاعران بازتاب گسترده‌ای یافته است. در ادبیات اخلاق‌مدار انقلاب بسیاری از این مضامین اخلاقی نمود یافته است. گرمارودی با نگاهی ظریف به طبیعت پیرامون خود هنگامی که افتادگی گیاه و آزادگی پرندگان را می‌بیند، به فکر فرو رفته و چنین می‌سراید: «وقتی گیاه سرافکنده است،/ آدمی، چگونه نباشد/ پرنده آزاد است/ و گیاه افتاده/ آیا بین پرنده و گیاه، مرا جایی هست؟» (گرمارودی، ۱۳۹۲: ۱۶۰)

البته باید توجه داشت تواضع، به معنی خواری و ذلت نیست که ضد ارزش و مورد نکوهش می‌باشد بلکه از ارزش‌های والای اخلاقی است که سبب رشد و ارتقای معنوی می‌شود. امین‌پور دقیقاً همین موضوع را مورد تأکید قرار داده است:

الهی به زیبایی سادگی!
 به والایی اوج افتادگی!
 رهایم مکن جز به بند غمت
 اسیرم مکن جز و آزادگی!
 (امین‌پور، ۱۳۹۷: ۱۷۶)

استاد عشق و عارف روشن ضمیر ما
 در سرفرازی و به زلالی چو آبشار
 سردار جان شکار و سترگ و دلیر بود
 در اوج سربلندی خود، سر به زیر بود
 (گرمارودی، ۱۳۸۹: ۴۰۴)

۱-۲-۵- فراگیری علم و دانش: یکی از مهم‌ترین علل مشکلات و معضلات اجتماعی و سیاسی پیش از انقلاب، سطح پایین دانش و فقر فرهنگی عامه مردم بود. این مقوله سبب بروز معضلات و مشکلات فراوانی در زمینه‌های مختلف اجتماعی شده بود. شاعران و نویسندگان دلسوز انقلاب، برای رشد و پیشرفت کشور مردم را به فراگیری علم و دانش تشویق و ترغیب می‌کنند. از طرفی، عقب افتادگی‌های کشور، پیش از انقلاب ریشه در جهل و ناآگاهی مردم داشت، بدون تردید،

سطح دانش عموم در پیشرفت فرهنگی و اجتماعی جامعه نقش بسزایی دارد. از همین روی بخش عمده ای از اشعار شاعران انقلاب، به تمجید دانش و علم آموزی و تقبیح جهل و نادانی اختصاص یافته است:

جهان چون دست خط کردگار است	خدا خود برترین آموزگار است
جهان ما کتاب آن تواناست	در آن هر نقطه و هر حرف، خواناست
اگر خواهی برآری سر ز افلاک	سواد آموز، ای درمانده برخاک
تو هم شعر خدایی چون ندانی	که باید خویشتن را خود بخوانی؟

(گرمارودی، ۱۳۹۲: ۶۶)

گفتم او را تا کدام است این بهاران کاین چنین	در امان از سورت سرما و باد صرصر است
گفت آن بستان جاوید و بهار بی خزان	باغ علم است و بهار درس و برگ دفتر است
یک اشارت هم مرا اکنون به یاد آمد خطیر	جایگاه یاد کرد آن اشارت، ایدر است
آن چنان کاندرا جهان، باغی نبتوان یافت، سبز	کان نه محصول تلاش و کوشش برزیگر است
باغ و راغ علم و دانش نیز چون بینی درست	سبز و آباد، از تلاش سبز هر دانشور است
گرچه دانشمند می یابد ز دانش زیب و فر	زیب دانش هم ز دانشور چو زر از زرگر است

(گرمارودی، ۱۳۸۹: ۳۸۲)

۱-۲-۶- عدالت خواهی: بعد از انقلاب شاعران و نویسندگان برای توسعه عدالت اجتماعی و کم کردن فاصله طبقاتی آثار زیادی خلق کردند. شاعران انقلاب، با شناخت همه جانبه از انقلاب اسلامی، بر این نکته اذعان دارند که ایجاد عدالت، از اصلی ترین اهداف نظام جمهوری اسلامی می باشد و برای همین، در هر کجا که نوعی بی عدالتی و تبعیض را دیده اند، بلافاصله قلم در دست گرفته و فریاد اعتراض برآوردند. عدالت خواهی- به عنوان رکن اصلی- که نشأت گرفته از باورهای اعتقادی و فطرت انسانی است، شاعران انقلاب را تحت تأثیر قرار داد به گونه ای که حق طلبی جزء مضامین عمده شعر انقلاب گردید. این مقوله تا حد زیادی روح تشنه مردم ستمدیده را فرو می نشاند: «همه در انتظار عدالت بودند/ و نیش درد ستم دیدگان/ در قلب و آسمانی آن پیر می خلید.» (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۹۷)

صفارزاده همچنین همچنین در شعر «پلکان» با مقایسه کاخها و کپرها، اختلاف طبقاتی دوران طاغوت را به تصویر می کشد و مخاطبان را برای مبارزه با بی عدالتی فرا می خواند و در هم شکستن

این فاصله ساختگی را آرزو می‌کند: «در روستا/ هر کاخ گونه‌ای/ قداره‌ای است/ در پیش روی کپرها و زاغه‌ها/ مسافتی ست میان نشستن‌ها/ کپرنشین/ کلبه نشین/ چادر نشین/ ویلا نشین/ وقتی تو سوی لائنه خود می‌شوی/ یک باره از خیال مرا/ همراه می‌بری/ کار مسافران درد/ همیشه همین بوده ست.» (همان: ۳۵۵). «بالای شهر/ پایین شهر/ ویلا نشین/ زاغه‌نشین/ ای یاوران واحد هر صنف/ صف‌های واحد ستم زدگان/ آزادگان.../ قدم بردارید/ و عزل و ازده‌های جدایی را بنویسید.» (همان: ۳۳۵)

قیصر امین‌پور تضاد و بی‌عدالتی را به تصویر می‌کشد و غرور انسان‌ها را گوشزد می‌کند: «...روزی که روی درها/ با خط ساده ای بنویسند: «تنها ورود کردن کج ممنوع!»، و زانوان خسته مغرور/ جز پیش پای عشق/ با خاک آشنا نشود...» (امین‌پور، ۱۳۹۷: ۲۳۷)

۱-۲-۳- تعالیم سیاسی

۱-۲-۳-۱- آزادی: روحیه آزادی و آزادی خواهی، یکی از مفاهیمی است که هر انسانی برای آن احترام والایی قائل است و تا اوج فداکاری از حریم آن پاسداری می‌کند و هر گاه قدرتمندی در پی آن باشد که این موهبت الهی را از او باز ستاند، در برابر او ایستادگی نموده و به قیمت جان آن را پاس خواهد داشت. در ادب معاصر، بحث آزادی و آزادی خواهی، یکی از گسترده‌ترین موضوعات است. یکی از غزلیاتی که امین‌پور در آن به آزادی اشاره نموده، غزل پنجره است. شاعر در غزل پنجره تقابل دو فضای بسته و فضای باز، که فضای مطلوب و مورد ایده‌آل اوست را به نمایش می‌گذارد. آینه که در اشعار امین‌پور از بسامد بالایی برخوردار است، در این شعر نیز نمود پیدا می‌کند که نماد راستی، صداقت و سلامت است و آب نیز، نشان از سرزندگی، زلالی، جاری بودن و سرسبزی است و سرانجام شاعر با حسرت تمام از نبودن پنجره و روشنایی، سروده خود را به پایان می‌برد:

یک کلبه خراب و کمی پنجره	یک ذره آفتاب و کمی پنجره
ای کاش جای این همه دیوار و سنگ	آینه بود و آب و کمی پنجره
در این سیاه چال سراسر سؤال	چشم و دلی مجاب و کمی پنجره
بویی زنان و گل به همه می‌رسید	با برگی از کتاب و کمی پنجره
موسیقی سکوت شب و بوی سیب	یک قطعه شعر ناب و کمی پنجره

(امین‌پور، ۱۳۹۷: ۶۷)

قناعت به کمترین حد آزادی «کمی پنجره» آرزوی شاعر است و در بیت آخر شبی را چنان به روزکردن، حسرت و دردمندی شاعر را به همراه دارد. آرزوی آزادی خواهان، رهایی از ظلم و ستم و

رسیدن به آزادی است. آزادی خواهان، زندگی در برابر ظلم و ستم را نوعی ننگ و خفت و مرگ را گواراتر و شیرین تر از زندگی با خفت می دانند. بالأخره نیز در همین راه جان خود را از دست می دهند. سبزواری نیز از جان گذشتگان را می ستاید:

رفتی اگر از دیده، جا در دل گرفتی
در خاطر آزادگان منزل گرفتی
با بذل جان از سعی خود حاصل گرفتی
اجر جهاد خویش را کامل گرفتی
(سبزواری، ۱۳۸۹: ۳۶۰)

۱-۲-۳-۲- وطن: در دوره معاصر، به ویژه در دوران دفاع مقدس، وطن گرایی و عشق و علاقه به آن در اشعار پساانقلابی بیشتر ماهیتی دفاعی به ویژه در دوران دفاع مقدس دارد. در اشعار قیصر امین پور، وطن دوستی و تعصب به آن عین ایمان اسلامی شمرده شده و جایگاه والایی دارد:

«طرح کمرنگی است در یادم هنوز/ من بیاد دشت آبادم هنوز» (امین پور، ۱۴۰۱: ۴۷).
«اندوه من اندوه تر از دامن الوند/ شکوه تر از کوه دماوند غرورم» (امین پور، ۱۴۰۲: ۵۴).
نکته مهمی که نباید در تبیین مفهوم وطن و وطن دوستی در اشعار قیصر امین پور فراموش کرد آن است که وی برخی مواقع ضمن تبیین شکوه وطن، به ترسیم ناکجاآباد که در واقع، «وطن آرمانی» اوست نیز مبادرت می ورزد:

«خسته‌ام از آرزوها/ آرزوهای اشعاری/ شوق پرواز مجازی بال‌های استعاری» (همان: ۹۸).
در نهایت، امین پور تلاش می کند دنیای کهن، موروثی و قدیمی را درهم ریخته و آرمانشهری نوین ایجاد نماید: «وی شاعران آرمانشهر را آفریدند/ که در خواب هم خواب آن را ندیدند» (همان، ۱۰۲)

نهایت عشق و علاقه به خرمشهر را در شعر حمید سبزواری می بینیم و شاعر ارتباط با این شهر را مساوی با دوری از بقیه عالم می داند. همچنین مقایسه دارد با این حمله مغول به ایران با حمله صدام و در آن اشاره به ویرانگری هردو می نماید:

ای شهر خون، شهر حماسه، شهر ایثار
از ناخن بعضی به رخ ناسور داری
ای شهر ایمان، شهر پیمان، شهر پیکار
خاکم به سر سیمای نیشابور داری
زخم تموجین از زخم تموجین
سیمای نیشابور از زخم تموجین
هر سو به نام ترک و کرد و ترکمان‌ها
بس خانه ویران می شود با خانمان‌ها

آغوش بگشا ای تو خرمشهر زیبا

خرم و آغوش تو آمد ارتش ما

۱-۲-۳-۳- مبارزه با استبداد و طاغوت: مضمون «آزادی‌خواهی و مبارزه با استبداد» از جمله مضامین کلیدی اشعار شاعران انقلاب اسلامی است. رویکرد اندیشه‌های آزادی‌خواهی شاعران انقلاب، محدود به جامعه ایران نیست بلکه هر جا رد پای استعمارگران را می‌بینند، به پا می‌خیزند و مخاطبان را از اندیشه‌های استعمارگران در چپاول ثروت‌های مادی اعم از نفت و معادن و ... ثروت‌های معنوی مانند، اندیشه و هویت و فرهنگ، آگاه می‌کنند. قیصر امین‌پور در ابتدا، نقد صریحی به حضور بیگانگان در کشور خود دارد:

«...ماندند هم‌رهان همه در وادی نخست

جز سایه‌ها نماند کسی در قفای ما...

...دردا و حسرتا که ز بیگانه هم ربود

در این میانه گوی ستم، آشنای ما...»

(امین‌پور، ۱۴۰۱: ۳۶)

شاعر در ادامه دشمنان بیگانه را به مبارزه مستقیم فرا خوانده و معتقد است تا آخرین لحظه برای مبارزه و بیرون راندن مستبدین و طاغوتیان بایستی جنگید:

ای خصم مرا سر، سرجنگ است هنوز	در چله خشم من خدنگ است هنوز
در ترکش اگر نمانده باشد تیری زنهار	مرا ناخن و چنگ است هنوز
میدان به سپاه خصم تنگ است هنوز	از خون شهید لاله رنگ است هنوز
شمشیر مکن غلاف جز در تن خصم	از دست منه سپر که جنگ است هنوز

(همان: ۴۳)

نکته مهمی که امین‌پور در مبارزه با استبداد و طاغوت مطرح می‌کند آن است که در مبارزه با مستبدین و دشمنان، لحظه‌ای نباید به سازش و مدارا فکر کرد بلکه پایان این مبارزه یا اخراج بیگانگان و طاغوتیان باشد یا ناکامی نیروهای مبارز.

از گوشه چشم یک نظر اندازیم

در خرمن دشمنان شرر اندازیم

یا خصم خود از دست سپر اندازد

یا ما ز تش، دست و سپر اندازیم

(امین‌پور، ۱۳۹۲: ۶۱)

برخیز و بخوان سرود پیروزی خون

هنگام بهار و فصل نوروزی خون

با رویش لاله‌های خونین بنگر

بر دامن سبز دشت گل‌دوزی خون

(همان: ۷۷)

در اشعار حمید سبزواری، نخستین گام در راه مبارزه با استبداد و طاغوت نیازمند مقاومت و اتحاد نیروهای مبارز است. این عمل به عقیده شاعر ترس و رعب را دل دژخیمان فرود خواهد آورد:

در ظلام شب خروش بامها
 نغمه الله اکبر می‌ریود
 لرزه می‌افکند بر اندامها
 خواب نوشین از سر خود کامها
 (سبزواری، ۱۴۰۰: ۱)

گام دوم در مبارزه با استبداد و طاغوت، ترسیم خیانت‌ها و جنایات دشمن است. در این رابطه سبزواری معتقد است ترسیم و آشکارسازی جنایات استبدادگران در شکست هر چه بیشتر آنان و استواری عزم مجاهدین اثرگذار است:

از هر کران نقش خیانت آشکار
 انگشت ابلیس زمان هر سوبه
 است
 کار است
 (همان: ۱۷۱)

در گام بعدی، سبزواری عدم سازش با دشمن را مطرح می‌کند:

ای خصم امان خورد و خوابت ندهیم
 از صلح مگو که در پهنه رزم
 تا از دم تیغ تشنه آبت ندهیم
 جز برق سلاح خود جوابت ندهیم
 (همان: ۴۳۷)

۲-۳-۴- حمایت از مظلومان جهان به ویژه مردم فلسطین: مسئله بیت المقدس تنها مربوط به مردم فلسطین نیست بلکه مسئله آزادی خواهی انسان‌هاست. شاعران انقلاب، بر اساس آرمان‌های انقلاب اسلامی، در آثار خود از ملت‌های مظلوم سراسر جهان به ویژه فلسطینیان دفاع کرده و فریاد تظلم خواهی آنان را به گوش جهانیان رسانده‌اند. از همین رو یکی از ویژگی‌های شعر صفارزاده بیرون آمدن از دایره مضامین و عناصر جامعه ایرانی و توجه به مسائل انسان‌ها در همه جای دنیا است البته با نگرشی مبتنی بر آموزه‌های دینی.

حمید سبزواری در اشعار خود در حمایت از مردم فلسطین و آرمان‌های آزادی قدس به دو موضوع اصلی اشاره دارد. نخست آنکه آرمان‌های قدس و آزادی فلسطین فراموش نخواهد شد به همین سبب تا آزادی کامل این سرزمین باید با غاصبان صهیونیستی مبارزه کرد؛ دوم، ددمنشی دشمنان صهیونیستی و تشبیه آنان به فرعونیان زمان. در این راستا، سبزواری سرزمین‌های اشغالی را به یک

میدان جنگ تمام عیار تشبیه نموده است:

آهن و سرب است ریزان بر در و دیوارها

در هم آمیزد خروشان جنگیان و زخمیان

بردمن صف بسته جای لاله‌ها قتاله‌ها

یک طرف از تانک‌های جان ستان انبوه‌ها

(سبزواری، ۱۳۹۲: ۱۴۳)

گاه سفر شد باره بر دامن برانیم

وادی پر از فرعونیان و قبطیان است

(همان: ۷۱)

شیطان ز دریا بسته، راه آسمان نیز

شیطان هزاران فتنه، گرد در کار دارد

(همان: ۸۶)

آتش و دود است خیزان از سر بازارها

با صفیر تیر و بانگ توپ و جنگ افزارها

بر چمن بنشسته جای ژاله آتش‌باره‌ها

یک طرف از توپ‌های جان‌گزا انبارها

تا بوسه گاه وادی ایمن برانیم

موسی جلودار است و نیل اندر میان است

غم نیست، او خسران برد از این و آن نیز

غم نیست، یزدان کارشان دشوار دارد

سبزواری در نهایت ضمن تهییج مبارزین، بیرون راندن غاصبان و مبارزه با آنان را هدف اصلی

و غایی مجاهدین می‌داند:

بر جای ما بیگانه، ننگ است ای برادر

تاراج و باج و فتنه را گردن نهادن

خفتیم غافل، خانه بر دشمن نهادیم

دل بر پیام دلکش چاووش بندیم

تنگ است ما را خانه، تنگ است ای برادر

نگ است ما را خانه بر دشمن نهادن

تاراج و باج و فتنه را گردن نهادیم

وقت است تا زاد سفر بر دوش بندیم

(همان: ۹۵)

امین‌پور نیز مخاطبان را به همراهی و همدردی با مردم فلسطین فرا می‌خواند و معتقد است که

زمان شعار دادن به پایان رسیده باید بر علیه رژیم اشغالگر، اقدام عملی کرد:

قومی نشسته خیره به تصویر پنجره

دستی برآوریم به تغییر پنجره

(امین‌پور، ۱۳۹۷: ۳۴۸)

در انتهای کوچه شب، زیر پنجره

اصرار پشت پنجره گفتگو بس است

حمایت از مردم قدس با نکوهش و تنفر از صهیونیسم پیوند خورده است از نگاه شاعر اسرائیل

مانند کرکسی است که قبله اول مسلمین را در چنگال خود اسیر ساخته است:

روزی از روزگاران دیرین
روزهای خوش و خوب و شیرین
ناگهان کرکسی بال وا کرد
بر سر لانه چنگال وا کرد
(همان: ۴۹۷)

امین پور، در شعر «پنجره» که برای فلسطینیان سروده است، از آنان می‌خواهد که گفت و گورا کنار بگذارند و در پی جهاد باشند تا بدین وسیله، خود را از پشت پنجره اسارت و ذلت برهانند و آزادانه زندگی کنند:

اصرار پشت پنجره ی گفت و گو بس است
دستی برآوریم به تغییر پنجره ...
جز با کلید ناخن ما وا نمی شود
قفل بزرگ بسته به زنجیر پنجره
(همان: ۳۴۸)

۳. نتیجه‌گیری

اساساً ادبیات پایداری به آن دسته آثاری اطلاق می‌گردد که تحت شرایط استبداد و خفقان، نبود آزادی، قانون ستیزی و قانون گریزی و ... نوشته می‌شوند. بنابراین درونمایه این آثار مبارزه با جریان‌های ضد آزادی و ایستادگی در برابر آنها است. به عبارت دیگر، اشعار و نوشته‌هایی که موضوع آنها دعوت مردم به مبارزه بر علیه ظلم است در دسته ادبیات پایداری یا ادبیات مقاومت قرار می‌گیرند. در این نوع ادبیات روح ستیزه‌جو را می‌توان حس کرد. یکی از دغدغه‌های مهم نویسندگان ادبیات پایداری بی‌هویتی افرادی است که از درد و رنج هم وطنان خود غافل هستند و در رفاه به سر می‌برند. به همین علت می‌کوشند تا با دفاع از وطن و طرح نمادهای اسطوره‌ای برای رسیدن به اوضاع بهتر تلاش کنند و به وضع موجود تن ندهند. بنابراین، شاخص‌های اصلی و اثرگذار ادبیات پایداری را می‌توان شامل موارد ذیل دانست:

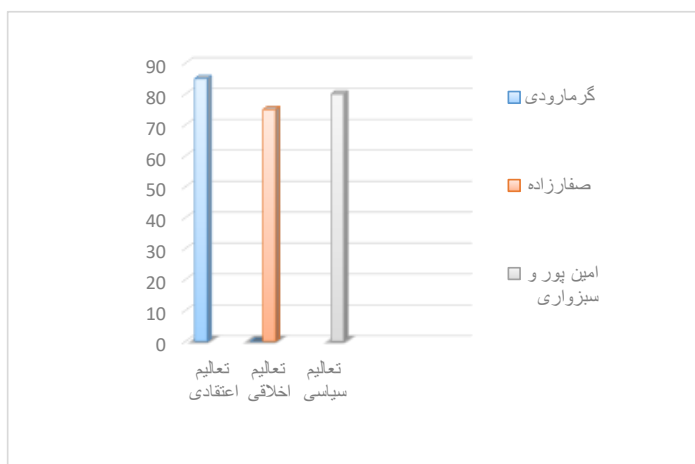
نخست؛ ترسیم مردم رنج کشیده؛ اولین قربانیان حکومت‌های استبدادی مردم آن جامعه هستند؛ دوم؛ دعوت به مبارزه؛ بدون هیچ وحشت و ترسی مردم را به مبارزه تشویق می‌کنند. این مبارزه گاه با مشت و فریاد است و گاه مسلحانه؛ سوم؛ ستایش شهیدان؛ افرادی که جان خود را در راه آزادی فدا کرده‌اند نمادی از عظمت و مایه افتخار هستند؛

چهارم؛ امید به آینده؛ شاعر یا نویسنده به فردایی بهتر امید دارد و در نوشته‌های خود این را به

مردم القا می‌کند که در پس این ابرهای تیره فردایی روشن نهفته است و حق بر باطل پیروز خواهد شد؛

پنجم؛ مدح آزادی: آزادی یک آرمان است و در قالب فرشته، پیامبر و ... در اشعار و نوشته‌ها نمایان می‌شود و شاعر و نویسنده همواره و تا پای جان خود به دنبال آن هستند.

در این رابطه، مقاله کنونی تلاشی بود در راستای بررسی تحلیل و طبقه‌بندی انگیزه‌های انقلابی موجود در اشعار چهار شاعر انقلاب یعنی سید علی موسوی گرمارودی، طاهره صفارزاده، قیصر امین‌پور و حمید سبزواری با تاکید بر اشعار سیاسی. نکته مهمی که از تبیین آن نباید غافل شد ماهیت ادبیات موجود در اشعار انقلاب است. به بیانی دیگر، آنچه مطمح نظر ادبیات و اشعار انقلابی است بیشتر وجه بیدارکننده و آگاهی بخش دارد. به همین سبب تقریباً تمامی اشعار شاعران انقلاب، در وهله نخست با مضامین و درونمایه‌های تعلیم و بیدارباش مخاطبین همراه بوده است. در نهایت، یافته‌های تحقیق نیز نشان داد که از دو مولفه موجود در انگیزه‌های انقلابی اشعار صفارزاده، موسوی گرمارودی، امین‌پور و سبزواری، انگیزه تعلیمی اولویت نخست و انگیزه‌های پایداری-مقاومت اولویت دوم را نشان می‌دهد. بر این اساس، بسامد مولفه‌های مذکور به ترتیب اولویت و اهمیت در ذیل ترسیم می‌گردد:



نمودار ۱. نمودار بسامدسنجی انگیزه‌های انقلابی در اشعار چهار شاعر معاصر (منبع: یافته‌های

پژوهش)

کتابنامه

۱. افخمی ستوده، مرضیه. (۱۴۰۱). حماسه در آینه ادبیات پایداری. تهران: تدبیر.
۲. امین‌پور، قیصر. (۱۴۰۲). گل‌ها همه آفتابگردانند. چاپ بیستم، تهران: مروارید.
۳. امین‌پور، قیصر. (۱۴۰۱). آینه‌های ناگهان. چاپ بیستم، تهران: افق.
۴. امین‌پور، قیصر. (۱۳۹۷). مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور. چاپ شانزدهم، تهران: مروارید.
۵. امین‌پور، قیصر. (۱۳۹۲). در کوچه آفتاب. چاپ هفتم، تهران: سروش.
۶. بختیاری مفرد، سمین. (۱۳۹۹). اشعار پایداری (در شعر علیرضا قزوه و طاهره صفارزاده بر اساس نقد کهن الگویی). تهران: مهر.
۷. پاکدل، مسعود و زیلابی، عزیز. (۱۴۰۱). «نگاهی به مهم‌ترین مؤلفه‌های محتوایی اشعار آیینی پس از انقلاب اسلامی»، مجله پژوهشنامه فرهنگ و ادبیات آیینی، س ۱، ش ۲، صص: ۶۱-۶۳.
۸. حجازی، بهجت. (۱۳۹۴). چشم‌اندازی به تحولات ادبی پس از پیروزی انقلاب اسلامی. تهران: علمی و فرهنگی.
۹. دهرامی، مهدی، (۱۳۹۹). «مقایسه جلوه‌های مفاخره در شعر علی موسوی گرمارودی و قیصر امین‌پور و اهداف و کارکردهای آن»، دو فصلنامه ادبیات دفاع مقدس، س ۴، ش ۶، صص: ۱-۱۲.
۱۰. رازقی، رمضانعلی؛ شریعتی فر، سید علی اکبر و امیراحمدی، ابوالقاسم. (۱۴۰۱). «بررسی سبک فکری شاعران انقلابی معاصر در مورد مفاهیم اخلاقی و ارزشی (با تکیه بر اشعار سلمان هراتی، علیرضا قزوه، طاهره صفارزاده، قیصر امین‌پور، احمد عزیزی، محمد مهدی سیار، و...»، مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، س ۱۵، ش ۳، صص: ۶۳-۷۸.
۱۱. سبزواری، حمید. (۱۳۸۹). سرود درد. تهران: قلم.
۱۲. صفارزاده، طاهره. (۱۳۹۱). مجموعه اشعار. تهران: پارس کتاب.
۱۳. صفارزاده، طاهره. (۱۳۹۴). بیعت با پایداری. تهران: حوزه اندیشه هنر اسلامی.
۱۴. فعلی، بهنام. (۱۴۰۱). چکامه‌های ایستادگی و مقاومت در اشعار بشری البستانی و طاهره صفارزاده. تهران: کلمات.

۱۵. کریمی لاریمی، رضا؛ فرصتی جویباری، رضا و منصوریان، حسین. (۱۴۰۱). «بررسی شعر اعتراض در سروده های متقدمترین شاعران مشهور انقلاب اسلامی»، مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، س ۱۴، ش ۵۲، صص: ۴۶۷-۴۹۱.
۱۶. محمدویسی، فاروق. (۱۴۰۱). فریاد مقاومت و جنگ در اشعار قیصر امین پور و علی فوده. تهران: کلمات.
۱۷. موسوی گرمارودی، سید علی. (۱۳۹۲). سفر به فطرت گل‌سنگ. تهران: سوره مهر.
۱۸. موسوی گرمارودی، سید علی. (۱۳۹۰). پیوند زیتون بر شاخه ترنج. تهران: سوره مهر.
۱۹. موسوی گرمارودی، سید علی. (۱۳۸۹). صلاهای سبز. تهران: قدیانی.
۲۰. موسوی گرمارودی، سید علی. (۱۳۸۸). خط خون. تهران: سوره مهر.
۲۱. ناصری، فرشته. (۱۳۹۸). مولفه‌های ادبیات تعلیمی در متون ادب پارسی. تهران: تخته سیاه.